نام مقاله: نقش "نقش" در بازيابي بهينه اطلاعات

نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)

شماره نشريه: 45 \_ شماره اول، جلد 12

پديدآور: مرتضي كوكبي

مترجم:

نقش «نقش» در بازيابي بهينة اطّلاعات

دكتر مرتضي كوكبي

چكيده

«نقش» عبارت است از واژه يا عبارتي كه پس از نام يك شخص در سرشناسه يا شناسه افزوده، قرار مي‌گيرد و ماهيت كار آن شخص را در پديد آوردن اثر نشان مي‌دهد. نوشتة زير بر آن است تا نشان دهد كه «نقش» كه در فهرستنويسي سنتي ايراني مورد بي‌اعتنايي قرار گرفته است مي‌تواند نقشي مؤثر در بهبود بازيابي اطلاعات داشته باشد. از آن‌جايي كه نرم‌افزارهاي كتابخانه‌اي و مارك ايران بر مبناي فهرست كتابخانه طرّاحي و اجرا شده‌اند اين نقش به ترتيب، در فهرستنويسي سنّتي، نرم‌افزارهاي رايانه‌اي و مارك ايران مورد بررسي قرار خواهد گرفت. در پايان نيز پيشنهادهايي براي بهبود بازيابي اطلاعات با استفاده از نقش در سه مورد ارائه خواهد شد.

كليدواژه‌ها: نقش، فهرستنويسي سنتي فارسي، نرم‌افزارهاي كتابخانه‌اي ايران، مارك ايران، بازيابي اطلاعاتي.

مقدّمه

«نقش» عبارت است از واژه يا عبارتي كه پس از نام يك شخص در سرشناسه يا شناسه افزوده قرار مي­گيرد و ماهيت كار آن شخص را در پديدآوردن اثر نشان مي­دهد. براي مثال عبارت «گردآورنده» پس از نام شخصي به نام «مشكور، محمّدجواد»، خواه در سرشناسه خواه در شناسة افزوده، نشان مي­دهد اين شخص گردآورندۀ اثر است نه پديدآورندۀ آن (به معني خالق اوّلية اثر). اين امر بدين معناست كه «مسئوليت معنوي درجة اوّل» خلق اثر، آن‌گونه كه در قواعد فهرستنويسي استفاده مي­شود، در اين مورد خاص، متوجّه «محمدجواد مشكور» نيست، زيرا او آثاري را پس از خلق توسط ديگران، گردآوري كرده و بدين ترتيب، داراي مسئوليتي معنوي از درجة دوم است.

جستجو در منابع مرتبط فارسي براي پيدا كردن تعريفي براي مفهوم «نقش»، بي‌نتيجه بود زيرا نه «دانشنامة كتابداري و اطّلاع‌رساني» (سلطاني و راستين، 1379) و نه «فرهنگ فشرده علوم كتابداري و اطلاع‌رساني» (كينن، 1378) تعريفي براي اين مفهوم ارائه نكرده­اند. اين جستجو با كليدواژۀ «توضيحگر» نيز ثمري نداشت. همانند اين جستجو در برخي از كتابهاي رايج فهرستنويسي توصيفي نيز تعريفي به دست نداد. حتّي در كتابهاي مترجم فهرستنويسي چنين تعريفي ديده نشد. بدين ترتيب، تا حدودي مشخّص مي­شود در فهرستنويسي توصيفي به اين مفهوم بي‌اعتنايي شده است. گواهي بر اين بي­اعتنايي، محتواي قواعد 23 الف، 2، 3، و 4 در كتاب «دستورنامة برگه­‌آرايي» (وزيري، 1374، 63) است كه چنين مي­نويسد:

2. «... كلمات يا عبارتهاي توصيفي شناسه­ها مثل: نام مستعار، مترجم، پردازنده، مصحح، نويسندۀ همكار، گردآورنده و غيره را در الفبايي كردن شناسه در نظر نگيريد.

3. عنوانهاي كشوري (مانند رئيس جمهور ايران، ملكه انگلستان، اتابك فارس، امير كويت و غيره را از نظر الفبايي در نظر نگيريد.

4. عنوانهاي مذهبي (مانند: پيغمبر اسلام، امام اول و غيره) را از نظر الفبايي در نظر نگيريد».

امّا در «مارك ايران»، به تبع يوني مارك، پيوستي با عنوان «پيوست سه: كد نقشها» حاوي 107 نقش با تعاريف و كدهاي مربوط وجود دارد (مارك ايران، 1381، 357-379). اين نقشها در پيوست سه مارك ايران، به ترتيب الفباي فارسي مرتّب شده‌اند. امّا از آنجا كه در يوني مارك، بر حسب الفباي انگليسي نظم يافته­اند، در مارك ايران اين پيوست داراي دو بخش است و در بخش دوم آن با عنوان «پيوست سه: كد نقشها نمايه انگليسي به فارسي» كد نقشها به ترتيب الفباي انگليسي همراه با كد مربوط و معادل فارسي آنها آمده‌اند. در مقدّمة پيوست سه مارك ايران، اين عبارتها ديده مي‌شود:

فهرست حاضر، حاوي كد سه نويسه­اي نقشهاست. كدهاي اين فهرست را مي­توان در فيلد فرعي $4 از فيلدهاي بلوك «7-- مسؤوليت معنوي» به كار برد.

كدهاي اين فهرست مانعة‌الجمع نيستند. سازمانهايي كه از اين كدها استفاده مي‌كنند، در مواردي نياز به يك يا چند كد، بايد سعي كنند خاص­ترين آنها را انتخاب كنند. هر گاه به يك نام واحد بيش از يك نقش تعلق بگيرد، هر كدام به طور جداگانه در يك فيلد فرعي $4 قرار مي­گيرند. استفاده از كدهاي نقش در مارك ايران اختياري است. (همانجا، 357). با وجود اينكه در نقل قول بالا استفاده از كدهاي نقش در مارك ايران اختياري اعلام شده، در ده مثالي كه در انتهاي كتاب «مارك ايران» وجود دارد و همگي زير عنوان «پيوست هفت: مثالها» آورده شده، براي شناسه افزوده‌­هاي شخصي، از اين كدهاي نقش استفاده شده است. «مصحح»، «گردآورنده»، «مترجم»، «مقدمه‌نويس»، و «پديدآور» از جمله نقشهايي هستند كه براي آنها از كد مربوط در مثالهاي ده‌گانه استفاده شده است. اين نكته نشان مي­دهد سازمان اسناد و كتابخانة ملّي جمهوري اسلامي ايران به استفاده از اين كدهاي نقش، علاقه­‌مند است. نشان خواهيم داد «نقش» كه در فهرستنويسي سنّتي ايراني مورد بي­اعتنايي قرار گرفته، مي­تواند در بهبود بازيابي اطّلاعات نقشي مؤثّر داشته باشد. اين نقش در فهرستنويسي سنّتي، نرم­‌افزارهاي رايانه­اي و مارك ايران، بررسي خواهد شد؛ امّا از آنجا كه نرم­افزارهاي كتابخانه‌­اي و مارك ايران بر مبناي فهرست كتابخانه طراحي و اجرا شده‌اند، بهتر است ابتدا هدفهاي فهرست كتابخانه بررسي گردد.

هدفهاي فهرست كتابخانه

هدفهاي فهرست كتابخانه، آن گونه كه «چارلز امي كاتر» در سال 1876 بيان كرد، به شرح زير هستند:

الف) توانا ساختن فرد به بازيابي كتابي كه يكي از مشخصات زير در مورد آن معلوم باشد:

پديدآورنده

عنوان

موضوع

ب) نشان دادن آنچه كتابخانه در اختيار دارد، از طريق:

4.پديدآورندۀ مشخص

5.موضوع مشخص

6.شكل مشخصي از نوشته

ج) ... (فتاحي و طاهري، 1384، 10).

با توجّه به مفهوم پديدآورنده در موارد الف و ب، اكنون دو نمونه زير را در كتابشناسي ملّي ايران بررسي مي­كنيم:

در «نمايه اشخاص و مؤسسات» شماره 83 كتابشناسي ملي ايران (كتابشناسي ملي ايران، 1375، 868) چهارده مدخل براي «مكارم شيرازي، ناصر» وجود دارد كه مشخّص نيست هر يك چه نقشي دارند. اين چهارده مدخل بدون هيچ‌گونه تفاوتي پشت سر هم رديف شده­اند. امّا هنگامي كه فهرستبرگه­هاي مربوط در متن كتابشناسي ملّي ايران بررسي مي­شوند، مشخّص مي­شود مدخل دوم، «مصحح» و مدخل ششم، «مترجم» است. همانند اين وضعيت در ساير كتابشناسي­هاي ملّي نيز ديده مي­‌شود. در «فهرست نام كسان و مؤسسات» در شمارۀ 51 كتابشناسي ملّي ايران (كتابشناسي ملي ايران، 1362، 162) نام «مشكور، محمدجواد» بدون هيچ‌گونه نقشي سه بار تكرار شده امّا بررسي فهرستبرگه­هاي مربوط در متن كتابشناسي نشان مي­دهد اين شخص، يك بار «گردآورنده»، يك بار «مصحح»، و يك بار نيز «مقدمه‌نويس» است. به عبارت ديگر، چون در اين موارد، نقش مورد استفاده قرار نگرفته، ممكن است اين سوء تقاهم براي خواننده پيش بيايد كه اين نويسنده در هر سه مورد، پديدآورنده (خالق اصلي اثر) است. در هر يك از اين دو حالت، اگر نماية نام اشخاص را در كتابشناسي ملّي ايران، همانند برگه­دان نويسنده در كتابخانه فرض كنيم، براي مورد «مشكور، محمدجواد» مثلاً خواهيم داشت:

مشكور، محمدجواد، 1297- گردآورنده.

مشكور، محمدجواد، 1297- مصحح.

مشكور، محمدجواد، 1297- مقدمه نويس.

كه البتّه اگر چه در اين مورد، برچسب تصادفاً بر مبناي الفباي نقش مرتّب شده­اند، امّا هميشه در برگه­دان اين گونه نيست زيرا همان گونه كه در بالا آمد «دستورنامه برگه‌آرايي» اينها را در برگه‌آرايي در نظر نمي­گيرد. امّا اكنون اين پرسش مطرح است كه آيا «محمّدجواد مشكور» در هر يك از سه حالت بالا «نقشي» برابر داشته است؟ «مشكور» در حالتي كه مصحّح است، بيشتر از زماني كه گردآورنده يا مقدّمه نويس است، نقش دارد. مصحّح، اگر چه در بدو امر به تصحيح مي­‌پردازد، امّا در مواردي اين تصحيح، متأثّر از ديدگاه­هاي اوست و در اين حالت، ديدگاه­هاي او را بيشتر مي­توان مشاهده كرد تا زماني كه او گردآورندۀ صرف يا مقدّمه نويس است. پس در اين جا مي­توان ادعا كرد كه «مشكور» مصحّح، داراي وزني بيشتر از مشكور گردآورنده يا مقدّمه نويس است.

اگر نظير همين استدلال در مورد «ناصر مكارم شيرازي» به كار برده شود، معلوم مي­شود از چهارده مدخل مربوط به اين شخص، دو مدخل، مربوط به «مكارم شيرازي» مصحّح، و «مكارم شيرازي» مترجم و دوازده مدخل ديگر مربوط به «مكارم شيرازي» پديدآورنده هستند. با توجّه به اين نكته كه ديدگاه­هاي ناصر مكارم شيرازي را در آثاري كه به شكل مستقيم توسط شخص او پديد آمده­اند بهتر مي­توان مشاهده كرد، مي­توان ادعا نمود كه وزن «مكارم شيرازي» پديدآور از «مكارم شيرازي» مصحّح و مترجم بيشتر است.

امّا مطابق قواعد «دستورنامة برگه­آرايي» كه در بالا آمد، اين نقشها در هنگام برگه آرايي در نظر گرفته نمي­شوند و در نتيجه، همان گونه كه در دو نمونة بالا نشان داده شد، اشخاصي كه در آثار مختلف نقشهاي مختلفي دارند، بدون در نظر گرفتن اين نقشها در كنار يكديگر قرار مي­گيرند و اين امر، بازيابي آثار و بويژه «اطّلاعات» از طريق «پديدآور» را دچار خدشه مي­سازد. به عبارت ديگر، هدف الف يك، آن گونه كه به نقل از كاتر در بالا بيان شد يعني، قادر ساختن فرد به بازيابي كتابي كه پديدآورندۀ آن معلوم باشد اشكال پيدا مي­كند زيرا «مكارم شيرازي» يا «مشكور» در مثالهاي بالا، در همۀ موارد خاصيت پديدآوري يكساني ندارند و به هرحال، «مكارم شيرازي» يا «مشكور» پديدآورنده، از هر دو اينها در حالتي كه مثلاً مترجم يا مصحّح باشند، «پديدآور»ترند.

از سوي ديگر، اگر كاربري مثلاً در جستجوي كتابي ترجمه شده از مترجمي خاص باشد نيز به دليل اين كه واژۀ «مترجم» در برگه­آرايي در نظر گرفته نمي­شود، به سادگي نمي­تواند كتاب مورد نظر خود را پيدا كند. چنين كاربري بايد در ميان نامهاي مشابه، آن قدر جستجو كند تا به نام شخص به عنوان مترجم برسد.

راه حلّي كه براي اين مشكل در برگه­دان به نظر مي­رسد، عمل كردن بر خلاف محتواي قاعدۀ 23 الف 2 در كتاب «دستورنامة برگه­آرايي» وزيري يعني در نظر گرفتن كلمات يا عبارتهاي توصيفي شناسه­ها مثل: نام مستعار، مترجم، پردازنده، مصحح، نويسندۀ همكار، گردآورنده و ... به هنگام الفبايي كردن شناسه­هاست. كمترين خاصيت اين اقدام اين است كه مثلاً تمامي «مكارم شيرازي»هاي پديدآور (در حالي كه مسئوليت معنوي اوّليه متوجه اين شخص است) در كنار هم، تمامي «مكارم شيرازي»هاي مترجم، در كنار هم و تمامي «مكارم شيرازي»هاي مصحّح نيز در كنار هم قرار مي­گيرند. از آنجا كه در برابر نام شخص، هنگامي كه نويسنده است نقشي ذكر نمي­شود، تمامي نامهاي مكارم شيرازي، هنگامي كه اين فرد نويسنده است در برگه­دان، قبل از همة نامهاي اين شخص، هنگامي كه مسئوليت(هاي) ديگري دارد قرار مي­گيرد و بدين ترتيب، نام شخص، هنگامي كه در پديدآوري، بيشترين وزن را دارد، پيش از نام او، با مسئوليتهاي فرعي و وزن پديدآوري كمتر، مي­آيد.

در مواردي نيز كه اثري دو يا سه پديدآور داشته باشد، از آنجا كه نويسنده­هاي بجز سرشناسه، در شناسه افزوده قرار مي­گيرند و نقشي به نام «نويسندۀ همكار» پيدا مي­كنند امّا اين نقش در شناسه­هاي مندرج در اشكال متفاوت كتابشناسي ملّي ايران، اعمّ از چاپّي، لوح فشرده، يا نرم­افزار رسا، نوشته نمي­شود، باز هم در برگه­آرايي، جايگاه واقعي خود، يعني مسئوليت معنوي درجة اوّل را مي­يابند.همانند اين وضعيت، زماني نيز كه تعداد نويسندگان كتابي بيش از سه نفر است و عنوان كتاب در سرشناسه قرار مي­گيرد و نام تنها يكي از نويسندگان در شناسه افزوده مي‌آيد، رخ مي­دهد زيرا براي نام اين شخص نيز نقشي در نظر گرفته نمي­شود.

بررسي مسئله در نرم­افزارهاي كتابخانه­اي

تا آنجا كه مي­دانم، در تمامي نرم­افزارهاي كتابخانه­اي ايراني، فيلد فرعي خاصّ نقش وجود ندارد. حتّي نرم­افزار رسا كه در سازمان اسناد و كتابخانة ملّي جمهوري اسلامي ايران به كار مي­رود و مبتني بر مارك ايران است و به تبع مارك ايران، مي­تواند فيلد فرعي خاصّ نقش را در هنگام جستجو در نظر بگيرد، از اين امكان استفاده نكرده است.

راه حلّ پيشنهادي براي اين مسئله در نرم­افزارهاي كتابخانه­اي اين است كه فيلد فرعي خاصّ نقش در تمامي فيلدهاي مربوط به سرشناسه و شناسه افزوده­هاي شخصي و تنالگاني در نظر گرفته شود تا با انجام جستجوهاي تركيبي بتوان مثلاً كلّية پيشينه­هايي را كه در آنها، «مشكور»، مسئوليت معنوي درجة اوّل را دارد، بازيابي كرد. اگر اين عمل انجام نشود، كاربر ناچار است در ميان تعداد زيادي مورد بازيابي شده، با جستجوي دستي، مواردي را كه در آنها، سرشناسه، پديدآور يا مسئول معنوي درجه اول اثر است، بازيابي كند. با توجّه به توان بالاي رايانه در بازيابي اطّلاعات، اگر فيلدي خاصّ نقش در نظر گرفته شود، رايانه به سرعت و سهولت مي­تواند هر گونه پديدآوري را در پيوند با نقشي كه دارد، در يك جستجوي تركيبي پيدا كند.

بررسي مسئله در مارك ايران

در مارك ايران، بلوك مسئوليت معنوي اثر (7—) به شش فيلد به شرح زير تقسيم شده است:

«نامهاي اشخاص

700 نام شخص ـ به منزلة سرشناسه (مسؤوليت معنوي درجه اول)

701 نام شخص ـ (مسئوليت معنوي برابر)

702 نام شخص ـ (مسئوليت معنوي درجه دوم)

نامهاي تنالگانها و همايشها

710 نام تنالگان ـ به منزلة سرشناسه (مسؤوليت معنوي درجه اول)

711 نام تنالگان (مسووليت معنوي برابر)

712 نام تنالگان - مسووليت معنوي درجه دوم "(مار ايران‚1381‘247(

720" نام خاندان ـ مسئوليت معنوي درجه اول

721 نام خاندان ـ مسئوليت معنوي برابر

722 نام خاندان - مسووليت معنوي درجه دوم

730 نام ـ مسئوليت معنوي» (UNIMARC Manual : Bibliographic Format, 1994).

لازم به يادآوري است، چهار فيلد آخر در ويراست سال 1381 مارك ايران وجود ندارد و تنها در ويراست سال 1994 دستنامة يوني­مارك كه مبناي مارك ايران، و در سال 2000 روزآمد شده است، ديده مي­شود. فيلد 730 در اين دستنامه چنين تعريف شده است: «اين فيلد حاوي شكل بي­ساختار نام ماهيتي است كه مسؤول معنوي اثري فرض مي­شود. اين نام از قواعد فهرستنويسي پيروي نمي­كند». (همان).

بدين ترتيب، مشخّص مي­شود مارك ايران نه تنها با استفاده از نقش، تفكيكي ميان نقشهاي مختلف يك پديدآور ايجاد مي­كند، بلكه حتّي فيلدهايي را نيز به اين تفكيك نقش اختصاص مي­دهد. اگر نويسنده­اي داراي مسئوليت معنوي درجه اوّل باشد، نام او در فيلد 700، اگر داراي مسئوليت معنوي برابر باشد در فيلد 701، و اگر مسئوليتي معنوي از درجة دوم داشته باشد، در فيلد 702 قرار مي­گيرد. نظير همين ترتيب در فيلدهاي 710-12 و 720-30 ديده مي­شود.

در تمامي اين ده فيلد، فيلد فرعي $4 به «كد نقش» اختصاص دارد كه براي فيلدهاي 700-702 به اين ترتيب: «اين فيلد فرعي حاوي كدي است كه ارتباط بين نام شخص مذكور در اين فيلد را با اثري كه در ركورد آمده است نشان مي­دهد (يعني نقش شخص را در اثر معين مي­كند). فهرست اين كدها در پيوست سه آمده است. تكرارپذير». (مارك ايران، 1381، 251) و براي فيلدهاي 710-712 به اين ترتيب: «اين فيلد فرعي حاوي كدي است كه ارتباط بين تنالگان و اثر مذكور در اين فيلد را نشان مي­دهد. فهرست اين كدها در پيوست سه آمده است. تكرارپذير». (همان، 266) تعريف شده است. در فيلدهاي 720-730 نيز همانند اين عبارتها ديده مي­‌شود.

اكنون نمونة بالا را در فيلدهاي مارك ايران بررسي مي­كنيم:

مشكور، محمد جواد، 1297- گردآورنده.

702#1$aمشكور$bمحمد جواد$f1297- $4220@

فيلد 702 به اين دليل براي «مشكور» به عنوان «گردآورنده» انتخاب شده است كه «مشكور» در اين جا داراي مسئوليت معنوي درجه دوم است. اگر به هر دليلي، مشكور به منزلۀ گردآورنده در سرشناسه قرار گيرد (كه مطابق قواعد فهرستنويسي انگلو-امريكن درست نيست)، نمونة بالا به صورت زير در مي­آيد:

700#1$aمشكور$bمحمد جواد$f1297- $4070@

براي مشكور به عنوان مصحّح و مقدّمه نويس نيز كه در هر دو حالت، داراي مسئوليت معنوي درجه دوم است، مارك ايران به صورت زير عمل مي­كند:

702#1$aمشكور$bمحمد جواد$f1297- $4270@

702#1$aمشكور$bمحمد جواد$f1297- $4080@

در حالتي كه مشكور، داراي بيش از يك نقش باشد، مارك ايران از آنجا كه فيلد فرعي $4 را تكرار پذير كرده است، چنين عمل مي­كند:

مشكور، محمد جواد، 1297- گردآورنده و مصحح.

702#1$aمشكور$bمحمد جواد$f1297- $4220$4270@

شايان ذكر است، همان گونه كه در بالا اشاره شد، در مقدمة «پيوست سه: كد نقشها» در مارك ايران، استفاده از كدهاي نقش در مارك ايران اختياري اعلام شده امّا در ده مثالي كه در «پيوست هفت: مثالها» در مارك ايران آمده پانزده بار از كد نقش در موارد متفاوت استفاده شده است. استثنايي در اين مورد، سرشناسه است كه در ده مثال مذكور داراي كد نقش نيست و اين نوعي تناقض به شمار مي­رود، زيرا يوني­مارك براي نويسنده نيز كد نقش را در نظر گرفته و اگر مارك ايران قرار است از كد نقش استفاده كند، بهتر است از اين كد نيز استفاده نمايد.

در مورد تنالگانها، از آنجا كه به نظر مي­رسد كتابشناسي ملّي ايران به هر گونه ناشر غيرتجاري شناسه افزوده­اي اختصاص مي­دهد، فيلدهاي 710-712 در مارك ايران كاربرد بسياري مي­يابند. از دو نشانگر اين فيلدها، نشانگر نخست نشان مي­دهد كه تنالگان، همايش است يا تنالگان. بدين ترتيب، مشخّص مي­شود اين فيلدها در مواردي كه سرشناسه، يك همايش است نيز كاربرد دارند. امّا نكته در اين مورد اين است كه در هيچ يك از اين موارد، نه كتابشناسي ملّي ايران و نه مارك ايران، از نقش استفاده نكرده­اند. دليل اين امر شايد اين باشد كه اين تنالگانها در صورتي كه همايش نباشند، يا ناشر هستند يا پديدآور و در دو صورت اخير، كتابشناسي ملّي ايران و به تبع آن، مارك ايران از نقش استفاده نمي‌كند. در هر حال، بديهي است كه كاربرد نقش در نامهاي اشخاص، بيشتر از سه مورد ديگر، و در «نام» (فيلد 730) بيشتر از دو مورد از سه مورد باقي مانده، و در خاندان، بيشتر از تنالگانهاست.

نتيجه‌گيري و پيشنهادها

آنچه در بالا آمد، نشان مي­دهد «نقش» كه به نظر مي­رسد در فهرستنويسي انتشارات ايراني چندان مورد توجه قرار نگرفته است، مي­تواند در بازيابي اطّلاعات، نقش مؤثّري ايفاء نمايد. اگر نقش، بر خلاف آنچه كه در كتاب «دستورنامة برگه‌آرايي» نوشته شده، در برگه­آرايي منظور شود كمترين كاري كه انجام مي­دهد در كنار هم قراردادن هر پديدآوري بر حسب نقشهاي متفاوت اوست. به همين دليل، پيشنهاد مي­شود در برگه­آرايي نامهاي اشخاص، از اين پس نقش در نظر گرفته شود.

در مورد نرم­افزارهاي كتابخانه­اي نيز پيشنهاد مي­شود اگر فيلد يا فيلد فرعي خاصّ نقش در نظر گرفته نشده (كه معمولاً چنين به نظر مي­رسد) بهتر است اين فيلد در نظر گرفته شود تا كاربر بتواند در هنگام جستجوي تركيبي بر مبناي نام نويسنده، نقش او را در اثر مورد جستجو نيز مشخّص نمايد تا جستجويي سريع‌تر و كامل‌تر انجام دهد.

در مارك ايران، همان گونه كه در بالا نشان داده شد، نه تنها فيلدهايي به تفكيك نقش اختصاص داده شده است بلكه نقش، داراي فيلد فرعي خاص خود در ده فيلد مربوط به پديدآور مي­باشد و بدين ترتيب، امكان جستجوي تركيبي با نقش نيز از پيش فراهم شده است. تنها كافي است اين نقش در رابطهاي كاربري يا اپك­هاي مبتني بر اين نرم افزار ارائه شود. در صورت انجام اين پيشنهادها، بازيابي پيشينه­ها بر مبناي نامهاي پديدآوران شخصي، تنالگاني، خاندانها و نامهاي بي­ساختار شخصي، سريع­تر و كامل­تر انجام مي­شود.

منابع

ـ سلطاني، پوري و راستين فروردين (1379). دانشنامة كتابداري و اطلاع‌رساني، تهران: فرهنگ معاصر.

ـ فتاحي، رحمت الله و مهدي طاهري (1384). فهرستنويسي: اصول و روشها، ويراست 4، تهران: كتابدار.

ـ كتابشناسي ملي ايران (1349). تهران: كتابخانه ملي ايران، 1349- (شماره 51، نيمه اول 1362)

ـ كتابشناسي ملي ايران (1349). تهران: كتابخانه ملي ايران، 1349- (شماره 83، نيمه اول 1375)

ـ كينن، استلا (1378). فرهنگ فشردۀ كتابداري و اطّلاع‌رساني، ترجمه و تدوين: فاطمة اسدي كرگاني؛ مقابله و ويراستاري: عبدالحسين آذرنگ، تهران: نشر كتابدار.

ـ مارك ايران (1381). تدوين: كميتة ملي مارك ايران، تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران.

ـ وزيري، فرهاد (1374). دستورنامه برگه‌آرايي، ويراست2، تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران.

- UNIMARC Manual : Bibliographic Format, 1994, available at: file://\\Srv-doc01\INFO\unimarc%20doc\7--%20INTELLECTUAL% 20RESPONSIBILIT... 2004/04/07

--------------------------------------------------------------------------------

1. دانشيار دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه شهيد چمران اهواز.